



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

Volume 3, Issue 4, 2025

Comparative Assessment of the Crime Prevention Law with the United Nations Principles of Preventive Policymaking

Maedeh Rahimi¹, Ali Reza Salehi*¹, Shahram Ebrahimi²

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 33-48

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: +989178672070

Email: dralirezsalehi@iau.ir

Article history:

Received: 17 Apr 2025

Revised: 22 Jun 2025

Accepted: 01 Aug 2025

Published online: 22 Dec 2025

Keywords:

*Crime Prevention Law,
Principles of Preventive
Policymaking, United
Nations, Criminal Policy.*

ABSTRACT

The ineffectiveness of punitive approaches in controlling and reducing crime has drawn the attention of criminal policymakers in countries over the past four decades to the development and implementation of crime prevention programs. The United Nations, considering one of its duties, which is to combat crime, has considered crime prevention as one of the most important policies for responding to crime. United Nations Crime Prevention Guidelines, It has introduced 8 principles as the principles of preventive policymaking such as: knowledge Based Principle, Sustainability and Accountability Principle, Inclusion Principle, Interdependency and Differentiation Principle, Government leadership Principle, Synergy Societal Institutions Principle, Adjustment Principle, Localization Principle. In this research, which uses a descriptive-analytical method, while referring to library resources and collecting information through reading books, articles, theses and analyzing laws, by comparing and examining the extent of compliance of the Crime Prevention Law approved in 2015 with the eight principles of preventive policymaking of the United Nations, We conclude that apparently, crime prevention policy in Iran has not been designed and implemented in a desirable manner and it seems that despite the provision of preventive duties sporadically in laws and regulations Crime Prevention Law as the most important pillar of preventive legislative criminal policy in Iran It mostly characterizes the organization and structure of crime prevention on a large scale in the country and the nature of the types of tasks, assignments, measures and Public and private actions of Crime prevention has not drawn. Therefore, amending and revising the aforementioned law is recommended and emphasized.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Rahimi, M; Salehi, A & Ebrahimi, Sh (2025). "Comparative Assessment of the Crime Prevention Law with the United Nations Principles of Preventive Policymaking". *Journal of International Criminal Law*, 3(4): 33-48.



انجمن علمی فقه برای تطبیق ایران

فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

ارزیابی تطبیقی قانون پیشگیری از وقوع جرم با اصول سیاست گذاری پیشگیرانه سازمان ملل متحد

مآئده رحیم^۱، علیرضا صالحی^{۲*}، شهرام ابراهیم^۳

۱. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

چکیده

ناکارآمدی رویکردهای کیفرگرا در کنترل و کاهش جرایم، تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیری از جرم را طی چهار دهه اخیر مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی کشورها قرار داده است. سازمان ملل متحد نیز با توجه به یکی از وظایف خود که مقابله با جرایم است، پیشگیری از جرم را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های پاسخ‌دهی به جرم مد نظر قرار داده است. رهنمود پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲، ۸ اصل «علم بنیاد بودن»، «ثبات و ارزیابی»، «فراگیر بودن»، «پیوستگی و گسستگی»، «حضور همه‌جانبه و راهبردی دولت»، «هم‌افزایی نهادهای جامعه»، «بومی‌سازی» و «محلی‌سازی» را به‌عنوان اصول سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه معرفی کرده است. در این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی، با مقایسه و بررسی میزان پایبندی قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴/۰۶/۰۷ نسبت به اصول هشت‌گانه سیاست‌گذاری پیشگیرانه سازمان ملل متحد به این نتیجه می‌رسیم که ظاهراً سیاست‌گذاری در عرصه پیشگیری از جرم در ایران به شکل مطلوب طراحی و اجرا نشده و به نظر می‌رسد با وجود پیش‌بینی تکالیف پیشگیرانه به صورت پراکنده در قوانین و مقررات، قانون پیشگیری از وقوع جرم به‌عنوان مهم‌ترین رکن سیاست جنایی تقنینی پیشگیرانه در ایران بیشتر مشخص‌کننده تشکیلات و ساختار (سازمان) پیشگیری از وقوع جرم به صورت کلان در کشور بوده و ماهیت، انواع، وظایف، تکالیف، تدابیر و اقدامات عمومی و اختصاصی پیشگیری از وقوع جرم را ترسیم نموده است، لذا اصلاح و بازنگری قانون مذکور مورد پیشنهاد و تأکید می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۳-۴۸

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید:

تلفن: +۹۸۹۱۷۸۶۷۲۰۷۰

ایمیل: dralirezasahehi@iau.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

قانون پیشگیری از وقوع جرم، اصول سیاست‌گذاری پیشگیرانه، سازمان ملل متحد، سیاست جنایی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

ملل متحد در قطع‌نامه شماره ۲۰۰۵/۲۲، از دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد خواست که ضمن تمرکز بر اعمال برنامه‌های پیشگیری از جرم، از ایجاد تعادل میان رویکردهای پیشگیرانه و پاسخ‌های کیفری اطمینان حاصل کند. رهنمود پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، ۸ اصل را به‌عنوان اصول سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه معرفی کرده است. این اصول عبارتند از: «علم بنیاد بودن»، «ثبات و ارزیابی»، «فراگیر بودن»، «پیوستگی و گسستگی»، «حضور همه‌جانبه و راهبردی دولت»، «هم‌افزایی نهادهای جامعه‌ی»، «بومی‌سازی» و «محلی‌سازی» در سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه.

در قوانین و مقررات ایران به‌طور پراکنده، به مقوله پیشگیری از جرم اشاره شده است. به‌عنوان نمونه، بند «۵» اصل ۱۵۶ قانون اساسی که اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین را از وظایف قوه قضاییه به‌شمار آورده است. همچنین قانون برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز برخی وظایف پیشگیرانه را برای نهادهای دولتی پیش‌بینی کرده است. به‌علاوه قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۰۸/۰۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز تکالیف پیشگیرانه‌ای را برشمرده است. آخرین اراده قانون‌گذار در سیاست‌گذاری پیشگیرانه کشور در قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب سال ۱۳۹۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام، نمود یافته است که مشتمل بر ۶ ماده و ۵ تبصره می‌باشد. در پژوهش پیش رو که برای نخستین‌بار در کشور صورت می‌پذیرد، به ارزیابی تطبیقی قانون پیشگیری از وقوع جرم با اصول پیشگیرانه سازمان ملل متحد می‌پردازیم و به این پرسش پاسخ خواهیم داد که مقنن تا چه میزان به اصول پیشنهادی سازمان ملل متحد در زمینه سیاست‌گذاری پیشگیرانه پایبند بوده است؟ بدین‌منظور به ترتیب، مفهوم و ماهیت هریک از اصول هشت‌گانه را برشمرده و رویکرد و موضع قانون پیشگیری از وقوع جرم نسبت به آن را بررسی می‌نماییم.

پیشگیری از وقوع جرم یکی از مهم‌ترین سازوکارهای سیاست جنایی است که درصدد کاهش یا از بین‌بردن عوامل فردی، اجتماعی، محیطی و وضعیتی جرم‌زا با هدف ممانعت از گرایش به بزهکاری است. پیشگیری از جرم با توجه به نگرش‌های گوناگونی که در علم جرم‌شناسی وجود دارد، به دو صورت موسع و مضیق تعریف شده است. پیشگیری از بزهکاری در معنای گسترده، شامل هرگونه تدابیر و اقدامات کیفری و غیرکیفری کاهنده جرم می‌باشد، اما پیشگیری در معنای محدود، تنها شامل تدابیر و اقدامات غیرکیفری است. با بررسی‌های انجام‌شده در نظرات جرم‌شناسان به‌نظر می‌رسد معنای اخیر پیشگیری از جرم، یعنی آن سیاست جنایی که با اتخاذ تدابیر و اقدامات غیرکیفری، مانع از ارتکاب جرم افراد جامعه شود، بیشتر مورد توجه سیاست‌گذاران است.

در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲، دو رهنمود درخصوص پیشگیری از جرم، توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است: نخستین مورد، رهنمود همکاری و کمک‌های فنی درخصوص پیشگیری از جرایم شهری (در قالب پیوست قطع‌نامه ۱۹۵۹/۹ شورای اقتصادی و سیاسی) است؛ دومین مورد نیز رهنمود پیشگیری از جرم (در قالب پیوست قطع‌نامه ۲۰۰۲/۱۳ شورای اقتصادی و سیاسی) می‌باشد.^۲

این دو سند بر این نکته تأکید دارند که اتخاذ تدابیر و برنامه‌ها در زمینه پیشگیری از جرم باید با اصلاح در بخش‌های دیگر تأثیرگذار بر نظام عدالت کیفری همراه باشند. به‌عنوان نمونه در سال ۲۰۰۲، مجمع عمومی سازمان ملل در قطع‌نامه شماره ۲۶۱/۵۶، از دولت‌ها خواست تا برای حمایت مؤثر از برنامه‌های پیشگیری از جرم، از همکاری و تشریک مساعی بخش‌های مختلف دولت نظیر قوه قضاییه، بهداشت، آموزش، مسکن و نهادهای مردمی و مدنی نیز استفاده کنند. همچنین شورای اقتصادی و سیاسی سازمان

^۱- The Guidelines for Cooperation and Technical Assistance in the Field of Urban Crime Prevention (Economic and Social Council resolution 1995/9, annex).

^۲- The Guidelines for the Prevention of Crime (Council resolution 2002/13, annex).

۱- اصل علم بنیادبودن سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه

پاراگراف ۱۱ رهنمودهای پیشگیری از وقوع جرم سازمان ملل، درخصوص تبیین مفهوم علم بنیادبودن سیاست‌های پیشگیری از جرم به‌عنوان یکی از اصول اساسی پیشگیری، مقرر داشته است: «کلیه راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات پیشگیری باید مبتنی بر دانش جامع و بین رشته‌ای در زمینه جرم، عوامل متعدد ایجاد جرم و راهکارهای قطعی و محتمل مؤثر بر پیشگیری بنا شود.» درخصوص راه‌های اجرای این اصل، پاراگراف ۲۱ رهنمود، مقرر داشته است: «لازم است که دولت و جامعه مدنی با اتخاذ راهکارهایی مبادرت به انجام پیشگیری از جرم علم بنیاد بنمایند: ۱- فراهم‌نمودن اطلاعات مورد نیاز جامعه مدنی برای پاسخگویی به مشکلات ناشی از جرم؛ ۲- حمایت از تولید علم مفید و کاربردی که به‌لحاظ دانش، معتبر و قابل اتکا باشد؛ ۳- حمایت از ساماندهی و نظم‌بخشی به علوم موجود و تعیین نقاط ضعف و رفع آن‌ها برای استمرار فعالیت پیشگیرانه، انتشار علم حاصله به‌صورت متوازن در بین پژوهشگران، سیاست‌گذاران، مربیان، دست‌اندرکاران نهادهای مرتبط و تمامی اعضای جامعه؛ ۴- اجرایی‌نمودن علم به‌دست آمده در مسیرهایی همچون تکرار تجارب موفق، توسعه راه حل‌های پیشگیرانه، شناسایی آثار و عواقب ناشی از جرایم نوپدید و شناخت فرصت‌های جدید در زمینه پیشگیری از جرم؛ ۵- ایجاد نظام یکپارچه و هماهنگ جمع‌آوری داده با هدف کاستن از هزینه اجرای برنامه‌های پیشگیری؛ ۶- استفاده از اطلاعات حاصله برای کاهش موارد بزه‌دیدگی مکرر، بزه‌دیدگی به‌عادت و پیشگیری در مناطق دارای نرخ بالای وقوع جرایم.»

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، رهنمود پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد تأکید زیادی بر سیاست‌گذاری مبتنی بر استفاده از علم و دانش تجربی و کاربست داده‌ها و اطلاعات گردآوری‌شده در راستای تحقق اهداف پیشگیرانه می‌باشد. در این زمینه، جهت‌گیری عقلانی نسبت به سیاست‌گذاری جنایی ایجاب می‌کند که نتیجه یک سیاست جنایی مدتی پس از اجرای آن مورد بررسی قرار گیرد و نقاط ضعف و قوت

آن مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد. بنابراین وضع قوانین و مقررات کیفری مقطعی و عدم بررسی نتایج اجرای قوانین و مقررات موجب ضعف جنبه علم بنیادبودن سیاست جنایی می‌گردد.

تدوین لایحه پیشگیری از وقوع جرم در سال ۱۳۸۲ در مرکز مطالعات معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه توسط جمعی از استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان تحصیلات تکمیلی آغاز شد که حضور اندیشمندان و پژوهشگران متخصص در حوزه‌های مرتبط با مقوله پیشگیری از وقوع جرم بیانگر شروع به نگارش پیش‌نویس قانون با رویکرد علمی را دارد که این امر نشان از تمایل سیاست‌گذار جنایی ایران به سمت اصل علم بنیادبودن سیاست‌های پیشگیرانه داشت، پس از آن که پیش‌نویس قانون پیشگیری از وقوع جرم از طریق دولت و با ایجاد تغییرات در برخی از مواد پیشنهادی، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، شورای نگهبان با مفاد آن مخالفت کرد و برای تصحیح و تغییر به مجلس شورای اسلامی اعاده نمود، لیکن مجلس بر مصوبه خود اصرار داشت و در اجرای اصل ۱۱۲ قانون اساسی، لایحه مصوب به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال گردید و مجمع پس از بررسی موضوع به تغییر و کم و زیاد فراوان در ماهیت لایحه مذکور پرداخت، به‌نحوی که آن چه به تصویب رسید، تفاوت زیادی با متن اولیه تهیه شده بود. این دخل و تصرف و افزودن موادی دیگر به لایحه که توسط دولت، مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت گرفت، به‌نظر می‌رسد حاکی از عدم پایبندی و به‌عبارت بهتر، نادیده‌گرفتن اصل علم بنیادبودن وضع تدابیر یا سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه می‌تواند تعبیر شود.

ماده ۱ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴، مقرر می‌دارد: «پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان‌بردن یا کاهش آن.»

وجود برخی از ابهامات، از قبیل جامع و مانع‌نبودن تعریف ارائه‌شده از پیشگیری از وقوع جرم، مشخص‌نبودن کنشی یا واکنشی‌بودن ماهیت تدابیر و اقدامات پیشگیرانه، عدم توجه

محقق می‌شود، در نتیجه نمی‌توان مقوله پیشگیری از وقوع جرم را فرآیندی گذرا، محدود و منحصر به بازه زمانی یا مکان خاصی تلقی نمود. به بیان دیگر، نمی‌توان به موفقیت و تحقق برنامه‌ها و سیاست‌های پیشگیرانه‌ای که به صورت مقطعی و گذرا برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود، امید چندانی داشت و آن‌ها را منشأ اثر دانست. منظور از قابلیت محاسبه، ارزیابی‌پذیر بودن یا همان قابلیت سنجش سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه است، یعنی بتوان آن‌ها را براساس شاخص‌های کمی و کیفی مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار داد تا ضمن احصای دستاوردها و نتایج حاصله و همچنین استخراج نقاط قوت و ضعف، نسبت به استمرار یا ایجاد تغییرات در مسیر اجرای آن‌ها تصمیم شایسته اتخاذ نمود. نکته مهم این است که عدم امکان ارزیابی و سنجش سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه، در نگاه سیاست جنایی سازمان ملل متحد، یک ضعف بزرگ برای این سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات شناخته شده است، زیرا تدوین و یا حتی اجرای سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه کافی نیست، بلکه باید بتوان آن‌ها را به محک آزمایش و بومه نقد گذاشت، نقاط قوت را تقویت کرد و راهبردهای پیشگیرانه را به صورت اثربخش و کارآمد به موقع اجرا گذاشت. رهنمود پیشگیری از جرم تأکید زیادی روی این نکته دارد که مدیریت برنامه‌های پیشگیری باید به بخش‌هایی از دولت سپرده شود که از ثبات لازم برخوردار بوده و جزء نهادهای دائمی دولت محسوب شوند.

رهنمود پیشگیری از جرم سازمان ملل مصوب ۲۰۰۲ به موضوع تخصیص بودجه لازم و کافی برای پیشگیری از جرم، اهمیت ویژه‌ای داده است و در عین حال نکته‌ای که به آن تأکید داشته، قابلیت محاسبه منابع مالی لازم است (روایی و بهره‌بر، ۱۳۸۸: ۶). از منظر رهنمود مورد اشاره، قابلیت محاسبه، فقط زمانی میسر خواهد شد که اصل شفافیت بر تمامی جنبه‌های مالی و بودجه‌ای سیاست‌ها و تدابیر پیشگیری از جرم حاکم باشد، یعنی به راحتی و به وضوح بتوان زمینه‌های تخصیص بودجه را مشاهده نمود و آن‌ها را مورد ارزیابی قرار داد (تیموری، ۱۳۷۸: ۱۸۰)، بدین ترتیب وجود منابع مالی لازم و بودجه کافی برای امر پیشگیری لازم است،

به مقوله ترس از جرم به همراه مداخله زود هنگام برای تأثیرگذاری بر علل متعدد آن، نپرداختن به پیشگیری از بزهکاری مکرر افراد (تکرار جرم)، سکوت در برابر نحوه مواجهه با شناسایی و رفع عوامل خطر در سطوح فردی و اجتماعی، چگونگی ارزیابی خطر وقوع جرم و متولی سنجش آن، حذف حضور اساتید هیأت‌علمی و دانشگاهی (که در متن لایحه پیشنهادی قوه قضاییه و متن مصوب مجلس شورای اسلامی به عنوان عضو ثابت در شورای عالی پیشگیری پیش‌بینی شده بود)، عدم پیش‌بینی برگزاری مستمر جلسات شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم در بازه‌های زمانی مناسب (که از زمان تصویب قانون پیشگیری از وقوع جرم تا کنون تنها ۸ جلسه برگزار شده است) حاکی از عدم پایبندی شایسته مقنن در رعایت اصل علم بنیاد بودن سیاست‌گذاری پیشگیرانه است. تنها بخشی از قانون که رنگ و روی علم بنیاد بودن دارد، بند ۲ از ماده ۵ است که انجام تحقیقات و پژوهش‌های مورد نیاز برای آسیب‌شناسی علل وقوع جرم و راه‌های پیشگیری از آن از طریق نهادهای تحقیقاتی در قوای سه‌گانه و مراکز پژوهشی دانشگاهی و در صورت نیاز انجام تحقیقات مذکور به صورت مستقل و تهیه و انتشار گزارش‌های آماری ادواری و سالانه، را از وظایف دبیرخانه شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم دانسته است.

باتوجه به آن‌چه بیان شد و تطبیق اصل علم بنیاد بودن سیاست‌های پیشگیرانه سازمان ملل با قانون پیشگیری از جرم، باید خاطر نشان کرد که قانون پیشگیری از جرم در این راستا ضعیف عمل کرده و متأسفانه آن چنان که انتظار می‌رود، از این اصل پیروی ننموده است.

۲- اصل ثبات و ارزیابی سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه

منظور از اصل ثبات و ارزیابی، در واقع، همان اصل پایداری و قابلیت محاسبه می‌باشد که در سیاست جنایی پیشگیرانه سازمان ملل متحد بدان تصریح شده است. معنا و مفهوم پایداری بر تداوم و استمرار سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه دلالت دارد که این امر در طول زمان معنا داشته و

¹- Sustainability

²- Accountability

در چهارچوب قوانین و سیاست‌های کلی نظام»، «بررسی و تصویب برنامه‌های کلان برای گسترش فرهنگ، ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم و نهادهای دولتی و غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم و حمایت از آن‌ها»، «بررسی و اتخاذ تصمیم جهت شناسایی زمینه‌ها و علل وقوع جرم، کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارزیابی نتایج اجرای طرح‌ها و برنامه‌های ملی پیشگیری، سنجش و پیگیری عملکرد نهادهای مسؤول در این زمینه» و «اتخاذ سیاست‌های مورد نیاز در جهت حمایت از بزه‌دیدگان و محکومان و خانواده آنان و اصلاح و جامعه‌پذیری محکومان و برخورداری آنان از زندگی شرافتمندانه» همگی بر این اصل مبتنی هستند، اما مشکل اصلی، حُسن اجرای موارد بالاست که تحقق آن‌ها در هاله‌ای از ابهام وجود دارد.

نکته مهم این است که قانون پیشگیری از وقوع جرم در زمینه تأمین منابع و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری راجع به مقوله پیشگیری از وقوع جرم ساکت است و این عدم تصریح، با امان نظر به شرایط کلی حاکم بر ساختار دولتی کشور، ظاهراً مشکلاتی برای تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه به‌وجود آورده است.

۳- اصل فراگیری سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه

فرآیند پیشگیری از وقوع جرم، همانند یک سازمان است که باید نظامی منسجم بر آن حاکم باشد. آشفتگی و عدم نظامندی این فرآیند از عوامل عقب‌رفت و سردرگمی کنشگران آن خواهد بود.

اصل فراگیری، در واقع ناظر بر توجه به پیشگیری از وقوع جرم در تمامی عرصه‌ها و ابعاد سیاست‌گذاری‌ها، از جمله فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی بوده و یکی از مهم‌ترین اصول ناظر بر نظام‌مندسازی فرآیند پیشگیری از وقوع جرم است. بر این اساس، سیاست‌گذاران حوزه‌های مختلف باید با در نظر گرفتن آثار و تبعات ناشی از تصمیماتشان در جهت سیاست‌گذاری گام بردارند، زیرا بایستی پیامدها و عواقب ناشی از تصمیم‌های اخذ شده را از روزه و

چون اگر تدابیر پیشگیری از جرم بدون بودجه کافی پیش‌بینی شوند، با شکست مواجه می‌شوند و ثبات و پایداری پیشگیری با تزلزل روبه‌رو می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۳۹).

پاراگراف ۲۰ رهنمود مذکور، مقرر می‌دارد: «دولت‌ها و دیگر مراکز حامی مالی برنامه‌های پیشگیری باید در کنار سایر اقدامات با اتخاذ تدابیر زیر، از ثبات برنامه‌ها و فعالیت‌های پیشگیری اطمینان حاصل کنند و در این راستا باید: ۱- برای ایجاد و حفظ تعادل بین پیشگیری از جرم و عدالت کیفری و نیز پیشگیری مؤثر از بزه‌کاری بزه‌دیدگی، تخصیص بودجه و امکانات را کنترل و تنظیم نمایند؛ ۲- مسؤولیت‌های مربوط به تأمین بودجه، برنامه‌ریزی و هماهنگی در زمینه پیشگیری از جرم را تعریف و تبیین کنند؛ ۳- از مشارکت‌دادن مردم برای ایجاد ثبات در برنامه‌ها حمایت نمایند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۶۳).

عده‌ای بر این باورند که اقدامات پیشگیرانه پرهزینه می‌باشند و نیاز به بودجه فراوان دارند، اما سرمایه‌گذاری در برنامه‌های پیشگیری از جرم، به لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه‌تر است و هزینه برنامه‌های پیشگیری از جرم در بلندمدت کمتر از هزینه‌های صورت‌گرفته در نظام عدالت کیفری بوده است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۳۹).

به‌عنوان مثال در کانادا سالانه بیش از ۱۱ میلیارد دلار کانادا، صرف بودجه لازم برای پلیس، دادگاه‌ها و سازمان زندان‌ها می‌شود. به دیگر سخن هر کانادایی سالانه ۳۶۰ دلار کانادا برای اعمال قانون و نظام عدالت کیفری می‌پردازد (Butts, 2002: 22).

در بخش‌هایی از متن قانون پیشگیری از وقوع جرم، شاهد نشانه‌هایی از اصل ثبات و ارزیابی هستیم، مثلاً ماده ۴ قانون پیشگیری از وقوع جرم به وظایف شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم اختصاص یافته است. «تقسیم کار ملی در چهارچوب وظایف و مأموریت‌های قوای سه‌گانه کشور و اتخاذ تدابیر مناسب برای هماهنگی و توسعه همکاری بین دستگاه‌های مسؤول در امر پیشگیری»، «تعیین راهبردها، سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های ملی پیشگیری از وقوع جرم

¹- Inclusion

سیاست‌گذاری‌ها را به‌عنوان راهکارهای پیشگیری از وقوع جرم اجرا کرد. ابتدای برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها بر اصل فراگیری می‌تواند زمینه‌های وقوع جرم را در ساختار نهادها و تأسیسات اجتماعی و به‌ویژه از رهگذر نهادها و تأسیسات نظام عدالت کیفری در معنای عام کاهش دهد. اگر کنشگران دولتی این را وظیفه اصلی خود بدانند که در همه برنامه‌ها و سیاست‌هایی که اتخاذ یا اعمال می‌کنند، به جنبه‌های جرم‌شناختی آن نیازها توجه کنند و اصل پیشگیری از وقوع جرم را در همه آن‌ها مورد توجه خاص قرار دهند، به عقیده تدوین‌کنندگان رهنمود، می‌توان روند پیشگیری از بزهکاری را بهتر مدیریت نمود (Carrabine et al, 2009: 376).

به‌موجب ماده ۲ قانون پیشگیری از وقوع جرم، درجهت پایبندی به اصل فراگیری سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه، شورای عالی پیشگیری از جرم تشکیل شده است، اما برای شورای مذکور تعداد زیادی اعضا در نظر گرفته شده که این موضوع، تصمیم‌گیری راجع به سیاست‌گذاری به‌منظور تصویب، ابلاغ و نظارت بر حسن اجرای برنامه‌های پیشگیرانه را سخت و با دشواری‌های عملی مواجه می‌سازد و به‌گونه‌ای مانعی بر سر راه اجرای اصل فراگیری خواهد بود، ولی با صرف نظر از این مورد، اعضای در شورا مشاهده می‌شوند که حضور ایشان در قواعد اصل فراگیری لازم دانسته شده است. به‌عنوان نمونه می‌توان از رییس سازمان صدا و سیما در راستای اشاعه آموزه‌های پیشگیرانه و وزیر آموزش و پرورش برای تغییر مواد درسی یا گنجاندن مفاهیم علمی درجهت اجرای پیشگیری از وقوع جرم و کاهش عوامل زمینه‌ساز بزهکاری نام برد. آن‌چه حائز اهمیت می‌باشد، آن است که حضور برخی از اعضا در کلیه جلسات شورا الزامی نبوده و براساس تبصره ماده ۲ این امکان وجود خواهد داشت، دبیر شورای عالی پیشگیری به تناسب موضوعات مطروحه بتواند بدون داشتن حق رأی، صاحب‌نظران، کارشناسان، رؤسا و نمایندگان نهادها و سازمان‌ها را دعوت کند.

براساس ماده ۳ قانون پیشگیری از وقوع جرم، وظایفی برای شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم پیش‌بینی شده که

دیدگاه پیشگیری از وقوع جرم در نظر گرفت تا بررسی گردد با اتخاذ آن تصمیم، چقدر فرصت ارتکاب جرم کاهش یافته و یا این‌که زمینه و شرایط وقوع جرم تسهیل یا فراهم می‌شود.

در ماده ۲ فصل دوم رهنمود پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، با عنوان «چهارچوب فعالیت» آمده است: «مقامات دولتی در تمام سطوح باید شرایط لازم را برای نهادهای دولتی ذی‌ربط و تمام بخش‌های جامعه مدنی به‌ویژه بخش خصوصی فراهم نموده و آن را حفظ و ارتقا بخشند تا به‌نحو مطلوب، نقش خود را در زمینه پیشگیری ایفا نمایند. این افراد اعم از نهادهای دولتی مرتبط و تمامی بخش‌های جامعه مدنی، از جمله اشخاص حقوقی خواهند بود.» همچنین ماده ۸ رهنمود مقرر می‌دارد: «پیشگیری از جرم باید در تمامی برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی مد نظر قرار گرفته و با آن‌ها ادغام شود، از جمله برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی که پیشگیری باید در آن‌ها مد نظر قرار گیرد، می‌توان به برنامه‌های مربوط به اشتغال، آموزش، بهداشت، مسکن، برنامه‌ریزی شهری، فقر و مستضعفان اجتماعی اشاره کرد. در میان برنامه‌هایی که گروه‌ها، خانواده‌ها، کودکان و جوانان در معرض خطر را هدف می‌گیرند، از بُعد پیشگیری بسیار حائز اهمیت هستند» (جوان جعفری و سیدزاده ثانی، ۱۳۹۱: ۲۴۳). اصل فراگیری به‌وضوح دلالت بر وظیفه‌ای دارد که دولت‌ها در تدوین همه سیاست‌ها و برنامه‌ها برعهده دارند و براساس آن، دولت‌ها باید در همه برنامه‌ریزی‌ها به اصل پیشگیری از جرم توجه خاص داشته باشند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۱: ۱۰۰).

ظاهراً اصل فراگیری، دلالت بر دو معنا دارد: یکی این‌که همه برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها باید هدف و مقصود پیشگیرانه داشته باشند، یعنی همه این برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها از آن جهت که می‌توانند منتهی به بزهکاری شوند یا شرایط آن را فراهم آورند و تسهیل گردانند، مورد بررسی و تحلیل سیاست‌گذاران قرار گیرند؛ دیگر این‌که این اصل به‌عنوان سرلوحه و به نوعی یک «فرااصل»، بر تمام برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، از جمله اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اولویت داشته باشد تا بتوان همان برنامه‌ها و

¹- Mata - Principle

پیوستگی، ارتباط کلی سیاست‌های پیشگیرانه با یکدیگر می‌باشد. برای اصل گسستگی یا تمایز دو جنبه می‌توانیم در نظر بگیریم: اول این‌که برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرم، متناسب با شرایط و اهداف، متمایز هستند؛ دوم آن‌که، متولیان پیشگیری در عین آن‌که گسسته از هم عمل می‌کنند، اما به‌دنبال رسیدن به یک هدف واحد هستند، لذا براساس مفاد رهنمود سازمان ملل متحد، سازوکارهای پیشگیری از وقوع جرم باید انعطاف‌پذیر بوده و بسته به شرایط اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و ... قابل تغییر باشند.

رهنمود پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد در دو ماده مجزا به بیان مؤلفه‌های اصل مذکور پرداخته است. بر این مبنا در ماده ۱۳ رهنمود آورده شده است: «راهبردهای پیشگیرانه از جرم باید برای تشخیص و برنامه‌ریزی، در صورت لزوم به ارتباط میان جرایم محلی و جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی توجه کنند» و همچنین در پاراگراف ۱۴ بیان شده: «راهبردهای پیشگیری از جرم در صورت لزوم، باید به تفاوت نیازهای زن و مرد توجه داشته و به نیازهای خاص طبقه آسیب‌پذیر اجتماع توجه ویژه مبذول دارند.»

به‌نظر می‌رسد اصل پیوستگی و گسستگی سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه در قانون پیشگیری از وقوع جرم به‌شکل بسیار ضعیفی نمود یافته است، بدین‌معنا که این اصل در جهت اجرای سیاست‌های پیشگیرانه دیگر به‌صورت غیرمستقیم قابل استنباط است. به‌عنوان مثال در بند ۱ از ماده ۳ راجع به «تقسیم کار ملی در چهارچوب وظایف و مأموریت‌های قوای سه‌گانه کشور و اتخاذ تدابیر مناسب برای هماهنگی و توسعه همکاری بین دستگاه‌های مسؤول در امر پیشگیری» را از وظایف شورای عالی پیشگیری دانسته و عبارت‌های «تقسیم کار ملی» و «اتخاذ تدابیر مناسب برای هماهنگی...»، هرچند به‌طور کلی بیان شده‌اند، اما با تفسیری موسع می‌توان آن‌ها را در جهت اجرای اصل پیوستگی و گسستگی در سیاست‌ها دانست.

می‌توان مؤلفه‌های اصل فراگیری را از آن‌ها استخراج نمود. این وظایف عبارتند از:

۱- تقسیم کار ملی در چهارچوب وظایف و مأموریت‌های قوای سه‌گانه کشور و اتخاذ تدابیر مناسب برای هماهنگی و توسعه همکاری بین دستگاه‌های مسؤول در امر پیشگیری؛

۲- تعیین راهبردها، سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های ملی پیشگیری از وقوع جرم در چهارچوب قوانین و سیاست‌های کلی نظام؛

۳- بررسی و تصویب برنامه‌های کلان برای گسترش فرهنگ، ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم و نهادهای دولتی و غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم و حمایت از آن‌ها؛

۴- بررسی و اتخاذ تصمیم جهت شناسایی زمینه‌ها و علل وقوع جرم، کاهش آسیب‌های اجتماعی و ارزیابی نتایج اجرای طرح‌ها و برنامه‌های ملی پیشگیری، سنجش و پیگیری عملکرد نهادهای مسؤول در این زمینه؛

۵- اتخاذ سیاست‌های مورد نیاز در جهت حمایت از بزه‌دیدگان و محکومان و خانواده آنان و اصلاح و جامعه‌پذیری محکومان و برخورداری آنان از زندگی شرافتمندانه.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در بندهای اول و دوم ماده مذکور، تقسیم کار ملی، تعیین راهبردها، سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های ملی پیشگیری از وقوع جرم را در چهارچوب وظایف، قوانین و سیاست‌های کلی نظام پذیرفته است. این موضوع نشان‌دهنده ارتباط اصل فراگیری سازمان ملل متحد به‌عنوان یکی از اصول سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه در قانون پیشگیری از جرم به‌طور نسبی می‌باشد، هرچند انتظار می‌رود با اصلاح قانون مذکور، اصل فراگیری پررنگ‌تر و پویاتر از گذشته نمود و بروز نماید.

۴- اصل پیوستگی و گسستگی سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه اصل پیوستگی و گسستگی برگرفته از واژه همبستگی و تمایز در سیاست جنایی سازمان ملل متحد است. منظور از

3- The Guidelines for the Prevention of Crime (Council resolution 2002/13, annex), p.55.

1- Interdependency

2- Differentiation

در وهله اول، فرآیند پیشگیری از بزهکاری، اساساً یک ماهیت دولتی دارد، بدین معنا که بدون حضور و فعالیت دولت، اصولاً اجرای راهبردهای پیشگیرانه، محال و ممتنع به نظر می‌رسد (زارع مهرجردی، ۱۳۹۱: ۱۳۸). مهم‌ترین دلیلی که در توجیه این گزاره می‌توان ذکر نمود، این است که پیشگیری از جرم به‌عنوان بخشی از سیاست جنایی، از اصل حاکمیت ملی دولت‌ها و نتیجه مستقیم آن، یعنی اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری نشأت می‌گیرد (رودگر، ۱۳۹۰: ۲۸). در واقع تردیدی نیست که حاکمیت ملی هر دولتی اقتضا می‌کند که در قلمروی داخلی مرزهای خود، قوانین و مقررات و برنامه‌ها و رویه‌هایی که می‌خواهد را به اجرا گذارد. بنابراین سیاست‌های پیشگیرانه نیز جزء همین برنامه‌ها و سیاست‌ها هستند و هر دولتی بنابر آنچه مورد نظر دارد، آن‌ها را به مرحله اجرا می‌گذارد، پس هرگز نمی‌توان از اهمیت اصل حضور همه‌جانبه دولت در روند اجرای سیاست‌های پیشگیری از جرم غافل بود (شیری، ۱۳۸۵: ۱۲۸).

نقش دولت‌ها در امر پیشگیری از جرم چنان اهمیت دارد که اجرای تمامی اصول پیشگیرانه در گرو حضور و توجه دولت به آن‌هاست. به‌عبارت دیگر می‌توان به این گزاره اشعار داشت که اگر دولت نباشد، پیشگیری از جرم هم نخواهد بود، البته آن‌چه مهم‌تر است، نگاه دولت به موازین پیشگیرانه و روش اجرای آن‌هاست.

رهنمود مصوب ۲۰۰۲ سازمان ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم، در مواد مختلف به‌صراحت از اصل حضور همه‌جانبه دولت یاد کرده است. به‌عنوان نمونه در ماده ۷ بیان می‌دارد: «توسعه راهبردهای کارآمد و انسانی درخصوص پیشگیری از جرم، قبل از هر چیزی مرهون مشارکت فعال و مدیریت تمامی ارکان دولت در برنامه‌های پیشگیری است. نقش دولت در مدیریت برنامه‌ها خلاصه نمی‌شود، بلکه دولت در اجرا، پیاده‌سازی و ارزیابی برنامه‌های پیشگیری نیز نقشی اساسی دارد» (شیری، ۱۳۸۵: ۹۹). جالب آن‌که، این رهنمود تحت عنوان «نقش محوری دولت»، در تبیین نقش دولت در فرآیند پیشگیری از جرم، به این تذکر اکتفا نکرده است و در همه

مطابق بند ۴ ماده ۳ که مقرر می‌دارد: «بررسی و اتخاذ تصمیم جهت شناسایی زمینه‌ها و علل وقوع جرم، کاهش آسیب‌های اجتماعی...» که در عداد وظایف شورای عالی قرار داده شده را می‌توان مقدمات اجرای اصل مذکور دانست، چراکه شناسایی زمینه‌ها و علل وقوع جرم، راه را برای اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه هم‌بسته و متمایز در راستای کاهش جرایم و پیشگیری از آن هموار می‌سازد، اما آن‌چه واضح است، تفسیر موسع نسبت به بند مذکور است.

بند ۲ از ماده ۵ نیز بیان داشته «انجام تحقیقات و پژوهش‌های مورد نیاز برای آسیب‌شناسی علل وقوع جرم و راه‌های پیشگیرانه از آن از طریق نهادهای تحقیقاتی در قوای سه‌گانه و مراکز پژوهشی دانشگاهی و در صورت نیاز انجام تحقیقات مذکور به‌صورت مستقل...» را در شمار وظایف دبیرخانه شورای عالی پیشگیری دانسته که هرچند تکلیفی موازی با وظیفه شورای عالی مطابق بند ۴ ایجاد کرده، ولی علت‌شناسی عوامل بزهکاری از مقدمات اجرای اصل مذکور در زمینه پیشگیری افتراقی است.

البته اگر بخواهیم واقع‌بینانه به مواد قانونی بنگریم، به‌نظر می‌رسد قانون پیشگیری از وقوع جرم، به اصل پیوستگی و گسستگی در برنامه‌ها و سیاست‌های پیشگیرانه توجه چندانی و شایسته‌ای نداشته است.

۵- اصل حضور همه‌جانبه و راهبردی دولت در سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه

یکی از مصادیق اصول ناظر بر کنشگران عدالت کیفری، اصل حضور همه‌جانبه و راهبردی دولت است. در واقع این اصل به این نکته اشاره می‌کند که مقوله پیشگیری از جرم، مقوله‌ای فرابخشی است و به مشارکت همه نهادها نیازمند است و این نهادها باید با رویکردی فراگیر در این زمینه مداخله داشته باشند. بر این اساس همه ارکان دولت و تمام نهادهای حاکمیت خصوصاً نهادهای متولی پیشگیری از جرم باید در حوزه مدیریت، سیاست‌گذاری، اجرای تدابیر پیشگیرانه و همچنین ارزیابی برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه حضور به هم رسانند.

تعیین راهبردها و سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های ملی پیشگیری از وقوع جرم، نظارت و ارزیابی نتایج طرح‌ها، انجام تحقیقات و پژوهش‌های مورد نیاز و دریافت آمار و ارائه گزارش به دستگاه‌های مربوطه.

برای بهره‌مندی از اصل حضور همه‌جانبه و راهبردی دولت در پیشگیری از جرم، براساس ماده ۴ قانون پیشگیری از وقوع جرم، درجهت اجرای سیاست‌های پیشگیرانه، مصوبات شورای عالی، صرفاً با توافق و امضای سران سه قوه در چهارچوب قوانین لازم‌الاجرا می‌باشد.

باتوجه به نکات ذکرشده، می‌توان گفت که اصل حضور همه‌جانبه دولت در سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه دومین اصلی است که بعد از اصل فراگیری سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه سازمان ملل متحد، در قانون پیشگیری از وقوع جرم انعکاس یافته است.

۶- اصل هم‌افزایی نهادهای جامعه‌ی در سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه

اصل هم‌افزایی نهادهای جامعه‌ی در واقع، همان اصل مشارکت جامعه مدنی در رهنمود سازمان ملل متحد می‌باشد که ریشه آن را باید در سیاست جنایی مشارکتی جستجو کرد. در حال حاضر، تصور یک نظام سیاست جنایی کارآمد، بدون جلب مشارکت جامعه، ناممکن به نظر می‌رسد. بنابراین سیاست جنایی مشارکتی از سویی به قصد اعتباربخشیدن به اقدامات سطح دولتی در امر پیشگیری و مقابله با بزهکاری اهمیت دارد و از سویی دیگر، حس مسؤولیت اجتماعی شهروندان را افزایش می‌دهد و این امر موجب ارتقای کارآمدی نظام عدالت کیفری خواهد شد (نوبهار، ۱۳۸۷: ۱۴۶).

اصل حضور و مشارکت جامعه مدنی، متشکل از نهادهای مردم‌نهاد و غیردولتی در گفتمان سازمان ملل و به‌طور خاص در رهنمود پیشگیری از جرم این سازمان مصوب سال ۲۰۰۲، به وضوح قابل مشاهده است.

موارد و مراحل مربوط به فرآیند پیشگیری از جرم، ابتدا دولت‌ها را خطاب قرار داده و برای آن‌ها وظایفی مقرر نموده است.

در متن قانون پیشگیری از وقوع جرم، اصل حضور همه‌جانبه و راهبردی دولت مورد توجه قرار گرفته و به‌نظر می‌رسد نقش حاکمیتی زیادی به پیشگیری از وقوع جرم داده است، بدین توضیح که اعضای شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم در ماده ۲ قانون ذکر شده که عبارتند از: رئیس قوه قضاییه به‌عنوان رئیس شورا، معاون اول رئیس‌جمهور به‌عنوان نایب رئیس شورا، نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی، معاون اول رئیس قوه قضاییه، دادستان کل کشور، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، وزیر کشور، وزیر اطلاعات، معاون حقوقی رئیس‌جمهور، وزیر دادگستری، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر آموزش و پرورش، فرمانده نیروی انتظامی، فرمانده نیروی مقاومت بسیج، رئیس سازمان صدا و سیما، رئیس دیوان محاسبات کشور، رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، رئیس کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی، رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر، وزیر یا رئیس نهاد ذی‌ربط حسب موضوع به تشخیص رئیس شورا و یکی از معاونان رئیس قوه قضاییه به انتخاب ایشان به‌عنوان دبیر شورا.

با نگاهی به ترکیب اعضای شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، به‌نظر می‌رسد حضور این تعداد عضو برای شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، نسبتاً زیاد است و عملاً حضور در جلسات شورا و تشکیل آن را با مشکل مواجه می‌سازد. همچنین باوجود این تعداد عضو، سیاست‌گذاری و اتخاذ تصمیمات در زمینه پیشگیری از وقوع جرم، اگر غیرممکن نباشد، دشوار است، به‌علاوه وظایفی که بر مبنای مواد ۳ و ۵ به ترتیب برای شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم و دبیرخانه آن در نظر گرفته شده است، با صرف نظر از توان علمی شورا و دبیرخانه در اجرا، تماماً ضرورت حضور همه‌جانبه و راهبردی دولت را نشان می‌دهند که عبارتند از: تقسیم کار ملی در چهارچوب وظایف نهادها، اتخاذ تدابیر مناسب برای هماهنگی و توسعه همکاری بین دستگاه‌ها،

1- Synergy Societal Institution

2- Community Involvement

۳- برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به: (ابراهیمی، ۱۳۸۴).

انجام آن می‌باشند، به‌طور فعال در پیشگیری از جرم مشارکت کنند» تأکید کرده است (نوبهار، ۱۳۸۷: ۱۰۶).

در قسمت «آموزش و تقویت ظرفیت‌ها» نیز یکی از وظایف مهم دولت‌ها این دانسته شده که «به انجمن‌ها در جهت تجهیز به لوازم مورد نیاز برای توسعه و تأمین نیازها کمک کنند». همچنین در قسمت «حمایت از مشارکت‌کنندگان» نیز بر این نکته تصریح شده که: «دولت‌ها و تمام بخش‌های جامعه مدنی باید در صورت اقتضا، اصل مشارکت را مورد حمایت جدی قرار داده و بدین‌منظور باید: ۱- اهمیت این اصل و عناصر لازم جهت موفقیت آن را شناسایی کرده و نقش و جایگاه مشخص هریک از مشارکت‌کنندگان را تعریف نمایند؛ ۲- از آموزش مشارکت‌کنندگان در تمام سطوح حمایت کنند؛ ۳- عملکرد مثبت آن‌ها را تشویق کنند» (نوبهار، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

در قانون پیشگیری از وقوع جرم، شورای عالی پیشگیری در نظر گرفته شده که ترکیب و ساختاری کاملاً دولتی دارد و به‌عبارتی حضور نهادهای جامعه‌ی در شورای عالی نادیده گرفته شده است.

در بند ۳ ماده ۳ قانون، بررسی و تصویب برنامه‌های کلان برای ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم و نهادهای دولتی و نهادهای غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم و حمایت از آن‌ها جزء وظایف شورای عالی آمده است، اما سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود، آن است که شورایی که بدنه‌ای تماماً حاکمیتی - دولتی دارد، با این تعداد عضو بیش از حد نهادهای رسمی، اساساً احساس نیاز در به‌کارگیری پتانسیل نهادهای جامعه‌ی خواهد کرد؟ به‌نظر می‌رسد پاسخ منفی باشد. برخی این‌گونه بیان می‌دارند که باتوجه به تبصره ماده، در کنار نهادهای دولتی امکان دعوت از نهادهای جامعه‌ی به شورای عالی پیشگیری وجود دارد، اما این دیدگاه برخلاف اصل حضور نهادهای مدنی است، زیرا این اصل به‌دنبال حضور نهادهای جامعه‌ی با حق رأی در عرصه سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات پیشگیرانه است و تبصره مذکور صرفاً دارای خصیصه حضور فیزیکی و گاهاً مشورتی و بدون حق رأی و تصمیم‌گیری است. در ماده ۵ قانون پیشگیری از وقوع جرم،

سازمان ملل متحد به‌ویژه در رهنمود ۲۰۰۲ خود در زمینه پیشگیری از جرم، بر مشارکتی‌بودن فرآیند پیشگیری از جرم تأکید بسیار نموده است.

در همان ابتدای رهنمود، یعنی در قسمت دوم تحت عنوان «چهارچوب فعالیت» و در بند نخست این قسمت آمده: «مقامات دولتی در تمام سطوح باید شرایط لازم را برای نهادهای دولتی ذی‌ربط و تمام بخش‌های جامعه مدنی به‌ویژه بخش خصوصی فراهم نمایند تا به‌نحو مطلوب، نقش خود را در زمینه پیشگیری ایفا کنند.»

در بند چهارم همان قسمت می‌خوانیم: «مشارکت گروه‌ها و ایجاد همکاری و تعامل بین مشارکت‌کنندگان، از ارکان اساسی مفهوم پیشگیری از بزهکاری می‌باشد، منظور از مشارکت گروه‌ها عبارت است از مشارکت جامعه مدنی در سطح محلی» (نوبهار، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

در فراز دیگری از رهنمود مورد اشاره و در بند سوم «اصول بنیادی» مقرر شده که: «باتوجه به تنوع علل بزهکاری، صلاحیت و مسؤولیت‌های لازم جهت مقابله با آن، مشارکت باید رکن اساسی پیشگیری محسوب گردد. این مشارکت به ویژه بین وزارتخانه‌های مختلف، مقامات صلاحیت‌دار، سازمان‌های دولتی و غیردولتی، بخش خصوصی و نیز اشخاص اِعمال می‌گردد» (نوبهار، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

در قسمت «سازمان، روش‌ها و رویکردها» نیز آمده است «مشارکت فعال گروه‌ها و سایر بخش‌های جامعه مدنی، یکی از ارکان اساسی پیشگیری مؤثر از بزهکاری محسوب می‌شود. انجمن‌ها [که مقصود از آن‌ها قطعاً نهادهای مردم‌نهاد است]، باید در تعریف اولویت‌های پیشگیری، اجرای برنامه‌ها و ارزیابی فعالیت‌ها نقش کلیدی را ایفا نمایند.»

علاوه‌بر همه این موارد، رهنمود مصوب ۲۰۰۲ در قسمت «سازماندهی ساختارهای دولتی» در بند چهارم خود، به «ترغیب و تقویت همکاری و مشارکت بین سازمان‌های غیردولتی، محیط کاری، بخش خصوصی و مشاغل آزاد» و در بند پنجم نیز بر «اقدام که به‌نحو عموم مردم از طریق حساس‌سازی و جلب توجه آن‌ها نسبت به اموری که قادر به

موسع، دلالت بر منطبق کردن برنامه‌ها و رویه‌های پیشگیری از جرم با الگوهای فرهنگی، مذهبی، عقیدتی، اقتصادی و عرفی در داخل قلمرو سرزمینی هر کشوری دارد که قرار است این برنامه‌ها و رویه‌ها در آن تدوین شده و به اجرا درآیند.

اساساً در گفتمان سازمان ملل متحد، تأکید بر این شده که طرح‌های ملی پیشگیری از جرم، براساس مشاوره‌ها با بخش‌های مختلف داخلی، اعضای جامعه مدنی در داخل کشور و همچنین استفاده از داده‌ها و اطلاعات و آمار منطبق با واقعیات موجود در داخل کشور، تدوین و تصویب شده و به موقع اجرا گذارده شوند. طرح‌های ملی پیشگیری از وقوع جرم باید شامل موضوعات زیر باشند:

۱- چالش‌های اصلی که یک کشور با شهر یا روستا یا منطقه جغرافیایی خاص در حوزه امنیت جرم و بزه‌دیدگی با آن روبه‌روست؛ ۲- علل و عوامل احتمالی یا قطعی بروز این چالش‌ها؛ ۳- اولویت‌بندی نحوه و میزان مداخلات برای حل مشکلات و چالش‌ها و معضلات داخل مرز؛ ۴- مجموعه پیشنهادهایی برای نحوه پرداختن به اولویت‌ها؛ ۵- مداخله طراحان و برنامه‌ریزان در اجرای طرح‌های پیشگیرانه؛ ۶- تطابق سرمایه‌ها و منابع (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) و توجه به میزان دسترسی به منابع در اختیار یا قابل تولید (نوبهار، ۱۳۸۷: ۹۸).

در عین حال، آن‌چه به‌عنوان یک فرااصل بر همه طرح‌ها و برنامه‌های پیشگیری از جرم در مرزهای داخلی حاکم است، اصل توجه و تمرکز بر واقعیات داخلی و شرایط و ویژگی‌ها حاکم بر کشور است.

در فرازی از رهنمود سازمان ملل مصوب ۲۰۰۲ و ذیل عنوان «سازمان، روش‌ها و رویکردها» به اصل بومی‌سازی به‌طور غیرمستقیم اشاره شده است. در این قسمت به این نکته که «... هر کشوری ساختار و تشکیلات خاص خود را دارد...» اشاره و در کنار آن به استفاده از تجارب بین‌المللی موجود در زمینه پیشگیری از جرم تأکید و توصیه شده است (نوبهار، ۱۳۸۷: ۵۹). در جای دیگری از رهنمود ۲۰۰۲، در قسمت «برنامه‌ریزی» آمده: «فرآیند برنامه‌ریزی باید دربردارنده

تعدادی وظایف برای دبیرخانه شورای عالی پیشگیری از جرم در نظر گرفته شده که بند سوم آن «شناسایی راه‌های جلب مشارکت مردمی و حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و نهادهای غیردولتی...» را در راستای اجرای اصل یادشده، بیان می‌دارد، اما به‌نظر می‌رسد که در سطح یک دبیرخانه این وظیفه غیرقابل اجرا باشد. به‌طور کلی باید گفت، سیاست‌گذار تقنینی ایران در تدوین قانون پیشگیری از وقوع جرم، تحت یافته‌های جرم‌شناسی و تجارب کشورهای توسعه‌یافته، به اهمیت و لزوم حضور و مشارکت نهادهای جامعه‌ی توجه نموده، اما سازوکار مؤثری در جهت حمایت از مشارکت جامعه مدنی مشخص ننموده است.

۷- اصل بومی‌سازی سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه

اصل بومی‌سازی سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه به این معناست که سیاست‌گذاران پیشگیری از جرم، تدابیر و برنامه‌های پیشگیرانه را بسته به شرایط و ویژگی‌ها کشور خود به اجرا گذارند. در واقع، اصل بومی‌سازی، معنایی جزء سازگارنمودن راهکارهای پیشنهادی برای پیشگیری از جرم با شرایط و ویژگی‌ها، جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی اجتماعی و ... در سطح ملی ندارند. آن‌چه به‌عنوان مبنای نظری چنین رویکردی می‌تواند مورد بحث قرار گیرد، واقعی‌ترکردن سیاست‌های پیشگیری از وقوع جرم است. در واقع، هر چقدر به بومی‌سازی بیشتر معتقد باشیم و براساس مؤلفه‌های آن بیشتر عمل کنیم، تدابیر و سیاست‌های پیشگیری از جرم را به‌سمت واقعی‌ترشدن پیش می‌بریم و تدابیر و سیاست‌ها واقع‌گرایانه‌تر می‌شوند. در برخی از تأکیداتی که از سازمان ملل در این زمینه وجود دارد، از واژه «ملی‌سازی» نیز نام برده شده است. تمرکز اصلی در این زمینه بر آن است که سیاست‌ها و رویه‌های پیشگیری از جرم، بیش از پیش، ملی (بومی) شوند و با ویژگی‌ها داخل کشور محل اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه، به‌ویژه از حیث فرهنگی منطبق گردند.

یک نکته مهم و مورد تأکید در رهنمود مصوب ۲۰۰۲ سازمان ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم «اختصاصی‌کردن» پیشگیری از جرم است. این اختصاصی‌کردن در یک معنای

محل‌سازی از نسب اربعه، رابطه عموم و خصوص مطلق دارند و اصل بومی‌سازی، ناظر بر کل کشوری است که قرار است سیاست‌های پیشگیری از وقوع جرم در آن به اجرا درآید، اما اصل محل‌سازی، بر یکایک مناطقی که در داخل آن کشور قرار دارند، اطلاق می‌گردد. از مجموع تأکیدی که در رهنمود مصوب ۲۰۰۲ و دیگر قواعد و دستورالعمل‌ها داشته است، می‌توان چنین اصلی را استنباط نمود. اساساً محل‌سازی، معنایی مضیق‌تر از اصل بومی‌سازی دارد. بی‌تردید هر منطقه یا محله‌ای معضلات خاص خود را دارد. ممکن است، محله «الف» با چالش‌هایی متفاوت با محله «ب» روبه‌رو باشد و بالعکس، لذا منطقاً برنامه‌ریزی برای پیشگیری از جرایم واقع در این دو محله نیز باید متفاوت باشد تا بتواند معضلات را رفع کند. بر این اساس، پیشگیری از جرم نمی‌تواند همیشه و همه جا یکسان باشد و یکسان به پیش برود، بلکه نیازسنجی منطقه‌ای و تنوع نیازها و توقعات منطقه‌ای و محل‌ی دارد. این امر، نشان‌دهنده آن است که سیاست‌گذاران پیشگیری از وقوع جرم باید با در نظر گرفتن واقعیات هر منطقه سیاست‌گذاری کنند. در پیوند با مفهوم اصل محل‌سازی سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه، رهنمود سازمان ملل مصوب ۲۰۰۲ ذیل عنوان «برنامه‌ریزی» مقرر داشته که: «فرآیند برنامه‌ریزی باید دربردارنده مراحل زیر باشد: ۱- تجزیه و تحلیل اطلاعات مشکلات جرم‌زا و علل آن به‌ویژه در سطح محل‌ی؛ ۲- لزوم وجود طرحی که از رویکردی متناسب استفاده کند و مداخلات را با مشکلات، موقعیت‌ها و شرایط خاص در سطح محل‌ی منطبق نماید...» (نوبهار، ۱۳۸۷: ۶۶).

همچنین به‌موجب بند ۶(ب) رهنمود پیشگیری از جرم، برنامه‌های محله‌محور به‌دنبال ایجاد تغییر در شرایط محیطی خاصی هستند که بزهکاری، بزه‌دیدگی و ناامنی را به‌دنبال دارد و برای انجام این مهم از خلاقیت، تخصص و مشارکت اعضای محله بهره برده می‌شود (نوبهار، ۱۳۸۷: ۳۵). در رهنمود همکاری و کمک‌های فنی درخصوص پیشگیری از جرایم شهری که به‌صورت پیوست قطع‌نامه ۱۹۹۵/۹ شورای اقتصادی و سیاسی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است، رویکرد محله‌محوری در پیشگیری از بزهکاری مورد

مراحل زیر باشد: ... ۲- لزوم وجود طرحی که از رویکرد متناسب استفاده کند و مداخلات را با مشکلات، موقعیت‌ها و شرایط خاص در سطح محل‌ی / ملی منطبق نماید.» بنابراین به‌نظر می‌رسد رهنمود مورد اشاره، به اصل ملی‌بودن و در پرتو آن، ملی‌سازی (بومی‌سازی) سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیری از جرم، توجه خاص مبذول داشته است (نوبهار، ۱۳۸۷: ۳۷).

در بند ۵ از ماده ۵ قانون پیشگیری از وقوع جرم، «تهیه و تدوین پیش‌نویس سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های ملی پیشگیری از وقوع جرم و اخذ گزارش و جمع‌بندی نتایج اجرای طرح‌ها و برنامه‌های ملی جهت ارائه به شورا» به‌عنوان وظیفه دبیرخانه شورای عالی پیشگیری از جرم در نظر گرفته شده است که برای تحقق آن، دشواری‌ها و مشکلات عملی و اجرایی وجود دارد.

در آخر به این موضوع می‌توان اذعان داشت که در قانون پیشگیری از وقوع جرم، اصل بومی / ملی‌سازی سیاست‌گذاری‌ها و سیاست‌ها مد نظر بوده، ولی چگونگی اجرایی‌شدن این اصل را نادیده گرفته است و دیگر آن‌که، متولیان تهیه و تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های پیشگیرانه ملی به‌درستی انتخاب نشده‌اند. همین عوامل باعث می‌شوند که ناگزیر اذعان نماییم که در قانون پیشگیری از وقوع جرم، اصل بومی‌سازی قابلیت اجرایی‌شدن ندارد.

۸- اصل محل‌سازی سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه

رشد مهاجرت و افزایش جمعیت شهرها، با رشد امکانات دولت‌ها در سطح ملی برای تأمین نظم و امنیت شهروندان، متناسب نیست. این امر سبب ایجاد مشکلات بسیاری، از جمله بیکاری، فقر، خشونت و ارتکاب جرم در شهرهای کشور شده است. بنابراین بایستی تمهیداتی برای پیشگیری از وقوع جرم در استان‌ها، شهرها و روستاها در نظر گرفت. این اصل در واقع به‌دنبال آن است که در سطح ملی در قلمروی مرزهای داخلی نیز سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیری از جرم، با ویژگی‌ها و خصوصیات هر مکان جغرافیایی خاص سازگار شوند و با آن‌ها منطبق گردند و پس از آن به اجرا درآیند. باید به این نکته اشاره کنیم که اصل بومی‌سازی و اصل

ملی که برای پیشگیری از وقوع جرم در نظر گرفته شود، عبت و بیهوده است. این موضوع در قانون پیشگیری از وقوع جرم مغفول مانده است و علی‌رغم تأکید و تصریح لایحه قضایی پیشنهادی قوه قضاییه و متن مصوب مجلس شورای اسلامی، مبنی بر تشکیل شورای پیشگیری از وقوع جرم استان و شهرستان‌ها، در قانون فقط به شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم و ترکیب اعضا و وظایف آن، پرداخته شده است، لذا در واقع اصل محلی‌سازی سیاست‌ها و اقدامات پیشگیری از جرم حذف گردیده است. امید می‌رود در اصلاحات آتی، این موضوع مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

رهنمودهای سازمان ملل متحد در خصوص پیشگیری از جرم که در سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۲ به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل رسید، آینه تحول دانش و تجربه در حیطه پیشگیری، در خلال بیش از دو دهه گذشته بوده‌اند. براساس اوصاف و ویژگی‌های اسناد سازمان ملل متحد در خصوص اصول سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه، فرآیند پیشگیری از جرم، مبتنی بر ۸ اصل بوده که اوصاف و ویژگی‌های آن در متن بررسی شد. این اصول در واقع، خط مشی دستگاه‌ها، نهادها، سازمان‌ها، مقامات و مسؤولان ذی‌ربط در رابطه با امر پیشگیری از جرم را تعیین می‌کند. با تطبیق اصول هشت‌گانه سازمان ملل متحد با قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۴/۰۶/۰۷ به این نتیجه می‌رسیم که این قانون بیشتر یک قانون مشخص‌کننده تشکیلات و ساختار (سازمان) پیشگیری از وقوع جرم به صورت کلان در کشور است و ماهیت، انواع و تدابیر و اقدامات عمومی و اختصاصی پیشگیری از وقوع جرم را ترسیم ننموده، لذا اصل علم بنیادبودن، اصل ثبات و ارزیابی، اصل پیوستگی و گسستگی، اصل هم‌افزایی نهادهای جامعه‌ی، اصل بومی‌سازی و اصل محلی‌سازی در قانون پیشگیری از وقوع جرم انعکاس مطلوبی نداشته و صرفاً دو اصل فراگیری و اصل حضور همه‌جانبه دولت در سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه تا حدی منعکس شده‌اند که در جدول ذیل درج گردیده است:

تأکید است. در بند اول از قسمت یکم این رهنمود با عنوان «طرح و اجرای فعالیت‌های همکاری و معاضدت»، به ضرورت اتخاذ و اجرای «رویکردی محلی برای پرداختن به معضلات» اشاره نموده است. در قسمت «الف» این بند نیز به ارزیابی محلی به منظور کشف علل و ویژگی‌های جرایم، عوامل منجر به وقوع جرایم، شکلی که آن‌ها به خود می‌گیرند و گستره آن‌ها نیز اشاره شده است. این امر مورد پذیرش قرار گرفته است که بهترین برنامه پیشگیری از وقوع جرم، مستلزم اتخاذ رویکرد محله‌محوری است که به‌ویژه مبتنی بر تعامل و ارتباط نزدیک و پیوسته و مؤثر و کارآمد نهادهای دولتی پیشگیری از جرم نظیر پلیس و دیگر نهادهای غیردولتی فعال در محله‌ها، از جمله خانه‌های محلی است. از این رو، طرح‌های متعدد پیشگیری از جرم با رویکرد محله‌محور و غالباً با نگرش تعامل میان نهادهای دولتی و جامعه‌ی و تشکل‌های مردمی در بیشتر کشورها به اجرا گذاشته شده است، البته باید به این نکته اشاره داشته باشیم که مقصود از محله، در سطحی کلان، یک منطقه جغرافیایی خاص است.

در مسیر اجرای راهبردهایی، از قبیل آن‌چه گفته شد، تأکیدات و توصیه‌های مکرر سازمان ملل در رهنمودهای پیشنهادی برای پیشگیری از جرم بسیار مورد توجه و مبنای عمل کارگزاران پیشگیری از جرم بوده‌اند. مناسب‌ترین راهکار برای تعیین اولویت‌های پیشگیری و این‌که در هریک از حوزه‌های پیشگیری از وقوع جرم چه کارهایی می‌توان صورت داد، استفاده از دانش، اطلاعات و آگاهی بر نیازها و توقعات آن‌هاست.

اساساً پیشگیری از جرم، مقوله‌ای استقرایی و از جزء به کل است و به عبارت بهتر، سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه در راستای واقعی‌تر شدن باید دیدی از پایین به بالا داشته باشند. به این معنا که سیاست‌های کلی یا ملی بایستی باتوجه به واقعیات کل کشور یا استان‌ها وضع و اتخاذ شوند و بالعکس.

در واقع سیاست‌گذاری‌ها و اجرای آن‌ها در سطح خرد و کلان با هم ارتباط دارند، هرچند نوع اجرای آن‌ها متفاوت باشد (اصل پیوستگی و گسستگی)، پس با حذف و نادیده‌گرفتن اوضاع و شرایط مراتب پایین‌تر و به عبارتی محلی، هر برنامه

میزان انعکاس در قانون پیشگیری از وقوع جرم			عنوان اصل
خوب	متوسط	ضعیف	
		✓	علم بنیادبودن
		✓	ثبات و ارزیابی
	✓		فراگیری
		✓	پیوستگی و گسستگی
	✓		حضور همه‌جانبه و راهبردی دولت
		✓	هم‌افزایی نهادهای جامعه‌ی
		✓	بومی‌سازی
		✓	محلی‌سازی

الف. منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۴). «کنگره‌های پنج‌ساله پیشگیری از جرم و عدالت کیفری، دستاوردها و دورنماها». *مجله حقوقی دادگستری*، ۵۳-۵۲: ۳۵۵-۳۷۴.

- تیموری، خیرالله (۱۳۷۸). «درآمدی بر پیشگیری از وقوع جرم». *مجله حقوقی دادگستری*، ۶۳(۲۶): ۱۹۱-۱۶۷.

- جوان جعفری، عبدالرضا و سیدزاده ثانی، سیدمهدی (۱۳۹۱). *رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۳). «رهیافتی تو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم». *مجله حقوقی دادگستری*، ۶۸(۴۹)-۴۸: ۱۶۸-۱۲۳.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت انفرادی انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- The Guidelines for the Prevention of Crime (Council resolution 2002/13, annex).

ج. قوانین

- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به معاهده (کنوانسیون) سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی.

- قانون پیشگیری از وقوع جرم، مصوب ۱۳۹۴/۰۶/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

- رودگر، الهام (۱۳۹۰). *عدالت توافقی*. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، نام استاد راهنما عباس شیری و رنامخواستی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

- زارع مهرجردی، علی (۱۳۹۱). *خصوصی‌سازی عدالت کیفری*. رساله دوره دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

- شیری، عباس (۱۳۸۵). *عدالت ترمیمی (مبانی و کنشگران)*. رساله دوره دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، نام استاد راهنما علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۱). «ملاحظات در موضوع پیشگیری از وقوع جرم». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۳۶-۳۵: ۹۹-۱۱۰.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳). *تعامل جرم‌شناسی و حقوق کیفری*. دیباچه در: شناخت جرم‌شناسی نوشته کیت سوتیل و مویرا پیلو، ترجمه میرروح‌الله صدیق، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.

- نوبهار، رحیم (۱۳۸۷). *حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی*. چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.

- وروایی، اکبر و بهره‌بر، سروش (۱۳۸۸). «مقایسه راهبردی الگوهای پلیس سنتی و نوین در پیشگیری از جرم». *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۰: ۱۲۳.

ب. منابع انگلیسی

- Butts, AT (2002). "Justice Spending in Canada, 2000/01". *Turistat*, 22(11).

- Carrabine, E; Cox, P; South, N; Lee, M; Plummer, K & Turton, J (2009). *Criminology: A Sociological Introduction*. New York & London: Routledge.

- The Guidelines for Cooperation and Technical Assistance in the Field of Urban Crime Prevention (Economic and Social Council resolution 1995/9, annex).